

تمسخر عقاید مردم از کجا ناشی می‌شود؟

یک پژوهشگر حوزه‌ی انسان‌شناسی دین می‌گوید، از قدیم همواره کسانی ملزم به اجرای احکام دینی نمی‌دانستند ولی اکنون با پدیده‌های روبه‌رو هستیم که در آن افرادی به حرمت‌زدایی دین می‌پردازند و یکی از دلایل این مسئله، سیاستگذاری‌های سیاسی نادرست است.



- همشهری آنلاین:

یک پژوهشگر حوزه‌ی انسان‌شناسی دین می‌گوید، از قدیم همواره کسانی ملزم به اجرای احکام دینی نمی‌دانستند ولی اکنون با پدیده‌های روبه‌رو هستیم که در آن افرادی به حرمت‌زدایی دین می‌پردازند و یکی از دلایل این مسئله، سیاستگذاری‌های سیاسی نادرست است.

جبار رحمانی - پژوهشگر حوزه‌ی انسان‌شناسی دین - در گفت‌وگو با خبرنگار بخش فرهنگ خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا)، در پاسخ به این مساله که به نظر می‌رسد در جامعه‌ی امروز، مسخره کردن اعتقادات دینی عده‌ای از مردم، توسط عده‌ای دیگر، شایع شده باشد، گفت: این موضوع را به مقوله‌ی مسخره کردن تقلیل داد، این اتفاق بیانگر روندی است که آن‌را «حرمت زدایی» از برخی امور دینی در جامعه می‌توان دانست.

او افزود: برخلاف این تصور رایج که انگار در گذشته، همه‌ی مردم اهل مراعات احکام و اجرای آن‌ها بودند، باید گفت در گذشته نیز مانند اکنون عده‌ای از مردم روزه می‌گرفتند و نماز می‌خواندند، و عده‌ای نیز به خواندن نماز و گرفتن روزه مقید نبودند. ولی تفاوت جدی در آن بود که در گذشته مردم برای شریعت و احکام دینی و رفتارهای دین‌داران، حرمتی قایل بودند، بنابراین اگر هم خودشان از شریعت و احکام پیروی نمی‌کردند، ولی احترام دین‌داران را حفظ می‌کردند و رفتارهای دینی همچنان دارای ارزش بالای در جامعه بودند. به عبارت دیگر، حرمت نگه می‌داشتند.

این پژوهشگر حوزه‌ی انسان‌شناسی دین همچنین بیان کرد: اتفاقی که بعد از انقلاب در ایران به واسطه‌ی تحولات جامعه و برخی سیاستگذاری‌های فرهنگی و مذهبی نامناسب رخ داد، این بود که در مواردی سلسله مراتب ارزش‌های فرهنگی دینی تغییر کرده و حرمت برخی باورها و اعمال و احکام تقلیل پیدا کرد، یا گاهی نیز حرمت زدایی شد و در نتیجه‌ی این روند بود که اجرای احکام دین، نه تنها یک عیب نیست، بلکه فرد متخطی می‌تواند عاملان احکام دین را نیز مسخره کند. به عبارت دیگر، حرمت برخی رفتارهای دینی شکسته شد. این رفتار از اشتباهات و تحولات خود جامعه و متولیان دینی آن ناشی شده است.

رحمانی در پاسخ به این پرسش که چقدر مسخره کردن دین‌داران را پدیده‌ای نوظهور می‌توان دانست؟ بیان کرد: همیشه عده‌ای بوده‌اند که روزه نمی‌گرفتند ولی اینکه عده‌ای از آن‌ها بتوانند به صورت علنی و به‌طور گسترده رفتارهای دینی را نفی و گاه تمسخر کنند، ناشی از تحولات فرهنگی و مذهبی دو یا سه دهه‌ی اخیر است و بخش مهمی از این تحولات در سیاست‌های متولیان دینی و نهادهای رسمی در این زمینه ریشه دارد.

او افزود: حرمت‌زدایی از باورها و اعمال دینی، تا حد زیادی، از فرمالیسمی ناشی است که در برخی متولیان رسمی دین در تبلیغ دین و دفاع از دین دیده می‌شود. تاکید صرف و گاه همراه با تنبیه برای دفاع از ظواهر دینی توسط نهادهای رسمی، سبب می‌شود که به تدریج معنای اعمال دین، از بین برود و رفتار دینی به یک فرم بی‌محتوا تبدیل شود. در این وضعیت، از جانب متولیان رسمی فرهنگ مذهبی جامعه، فشار صوری بر رفتارهای دینی نیز بیشتر می‌شود و این واکنش نامناسب هرچه بیشتر، رشد فرایند محتوازدایی و حرمت‌زدایی از رفتارهای دینی را سبب می‌شود. به عبارت دیگر، این تمسخر یک واکنش غیر عقلانی جامعه به فشاری فرمالیستی از جانب برخی متولیان رسمی دین و فرهنگ برای تحمیل ظواهر دینی بر جامعه است.

عضو هیات علمی پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی در پاسخ به این پرسش که چقدر موضوع تمسخر اعتقادات دینی مردم بر جامعه تاثیر گذار است؟ گفت: نمی‌توان گفت بی‌تاثیر است، به هر حال وقتی فضای عمومی جامعه با نوعی حرمت زدایی از ارزش‌های دینی همراه شود، قطعاً الزام‌های درونی و روحی افراد به پیروی از این اعمال دینی و حمایت‌های روانی و روحی جامعه از این اعمال کم خواهند شد. در نتیجه جامعه را به وضعیتی دچار خواهند کرد که دین‌داری به یک انتخاب همراه با دشواری تبدیل خواهد شد. چون رفتارهای دینی در برخی از فضاهای جامعه، با نوعی واکنش منفی مواجه می‌شود. شاید مقوله‌ای به نام تهاجم فرهنگی در سست شدن اعتقادات مردم اندکی موثر باشد، اما در حرمت‌زدایی از دین و دشوار شدن دین‌داری در جامعه ایرانی، بیش از هر عاملی، عوامل درونی و داخلی موثرند.

عضو شورای مرکزی گروه انسان‌شناسی و فرهنگ ادامه داد: روندی که در جامعه ایرانی و در برخی از فضاهای اجتماعی در حال ازدیاد است، این است که در برخی عرصه‌ها، دینداری به یک مقوله دشوار و متضمن فشار روانی از جانب اجتماع تبدیل شده است. این مساله تا حدی ناشی از آن است که دین از امری اجتماعی و درونی به امری فرمال و بیرونی تقلیل پیدا کرده است. جبار رحمانی بیان کرد: این مسئله بیان‌گر تحولات دینی و فرهنگی عمیقی است که در جامعه در حال گسترش است. اگر قرار باشد متولیان نهادی دین با این تغییر، هرچه بیشتر با فشار و الزام رسمی و صوری مواجه شوند، نه تنها موفق نخواهند شد، بلکه موجبات رشد بیشتر آن را نیز فراهم می‌کنند.

او همچنین در پاسخ به این پرسش که چقدر می‌توان بروز چنین رفتارهایی را واکنشی به رفتار حکومت دانست؟ بیان کرد:

اینکه صرفاً همه تغییرات دین را به گردن حکومت بیاندازیم، کار چندان درستی نیست. عده قابل توجهی از جوانان یا نوجوانانی که به تعبیر رسمی «دین گریز» نامیده می‌شوند، بیش از آنکه به واسطه رفتارهای حکومت این رفتارها را داشته باشند، به واسطه رفتارهای دیندارانی است که در خانواده و اطرافشان هستند. مسئله اصلی واکنش به دین حکومتی نیست، بلکه واکنش به دین متکی بر ظواهر و مبتنی بر تنبیه و فشار برای ترویج است. این نوع دین فرمالیستی را هم در نهادهای رسمی می‌توان دید و هم در برخی گروه‌های دینی. حکومت هم یک کل یک‌دست و واحد نیست که همه جای آن یک رفتار مشابه را با دین‌داران داشته باشد. هرچند خود این تشتت استراتژی‌های دینی نهادهای سیاسی و رسمی هم بر آشفتگی حیات دینی جامعه می‌افزاید.